

در حاشیه رویدادها

مروری بر حوادث سالروز بازگشایی دانشگاهها

اینست که فشار اجتماعی و سیاسی جب - بمعنای قدرت یابی بیشتر و نقد فعال نسبت به مجاهدین است - که میتواند مجاهدین را از پیمودن مسیری که تا به امروز انتخاب نموده اند منصرف نماید و تبدیل به یک پشتیبان مادی مبارزات آتی نماید. بهر رو مجاهدین و بخش دانشجویی آن در مصاف جدید شرکت نجسته اند و با رد بیکر نشان دادند که نمیتوانند بعنوان یک مؤلف حقیقی در کنار چپ یا راست

جایگاه حزب توده و رنجبران نیز از پیش مشخص بود. حزب توده با شعارهای بی امضاء بر روی کاغذ - های کامپیوتری، و همچنین دعوت از "مردم" به سرکوب "ضد انقلاب" بمیدان آمد. "مردم" نیز به دعوتش لبیک گفتند. مشتاقان فوکشان حرفه ای و اوپاش به خیابانها آمدند تا توطئه "ضد انقلاب" را

سرکوب نمایند و مجالی به مقاله نویسان "مردم" دهند که در وصف "مردم" و "آگاهیشان" داد سخن دهند. "رنجبران" نیز که روزی معتقد بودند حزب الله قلب برتوان جنبش است، در راس تظاهرات "مردمی" "حزب الله" از فالاترین بعنوان بدیلی در مقابل "کمونیسم" دفاع نمودند و نشان دادند که در کشان از مفاهمی چون انقلاب و مردم.... با درک پدران توده ای شان تفاوتی ندارد و هر دو از یک آبشور: رویزیونیسم وار تداد، سیراب میشوند.

فدائیان اکثریت نیز همسویی شان با پدران خونی اش نشان میدهند. "اکثریت" در راستای حزب توده، در مسیر همان مشی فکری به نتیجه ای مشابه ای میرسند: تحریک تظاهرات در روز ۲۳ دیماه. فدائیان اکثریت این تظاهرات را توطئه "لیبرالها" دانست. و جایزه خود را با درج اعلامیه اش در روزنامه ای آزادگان گرفت و بدین ترتیب تداوم سیاست دنباله روانه اش از خرده بورژوازی را نشان داد. درجا معایب دانشگاههای آن بدست "لیبرالها" و "مرتجعین" بسته شده است، مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها خدمت به "لیبرالیسم" و "امپریالیسم" است، و مجیز گوئی حاکمیت خدمت به انقلاب؟ این خدمت ارزانی کسانی باد که جز به "رسمیت" شناختن خود از جانب حکومت به هیچ چیز دیگر تمایز اندیشند. چپ راه دیگری را انتخاب نموده است. نیروهای دیگر چه کردند؟ راه کارکرو و دانشجویان هواداران یعنی کسانی که تا دیروز معتقد بودند که تکیه بر افشاکری حاکمیت در هنگام جنگ ایران و عراق، تاکتیک درست مبارزه نیست و خیانت به "مام میهن" تلقی میگردد، بناچار و تحت فشار جو، مبارزه برای آزادسازی دانشگاه

هفته دوم و سوم دی ماه، تهران شاهد تظاهرات اعتراضی - موضعی و سپس جمعی دانشجویان و دانشمندان - زنان چپ در رابطه با ادامه تعطیل دانشگاهها و تشدید سرکوب آزادیها و دموکراتیک در جامعه بود. این حرکات از چند لحاظ درخور توجه است.

۱- چپ بعد از مدتها افشای گری عمومی و استفاده از اسلوبهای معمول افشاکری به تاکتیک جدیدی دست می یازد و با برپائی تظاهرات اعتراضی قسادر میگردد که مسئله افشای حاکمیت را از کاتالیسی جدید به میان توده های نسبتا وسیعتری ببرد.

۲- همانند هر حرکت سیاسی و عمومی دیگر، واقعیت و توان سازمانی چپ را برای خود و برای مردم - به نمایش میگذارد و بدین ترتیب در یک مبارزه رودر روبه پالایش درونی خود میبرد.

۳- چپ با تلفیق یک شعار روز همانند شعار "دانشگاه آزاد باید گردد" با دیگر شعارهای دموکراتیک: "آزادی زندانیان سیاسی انقلابی" "خاتمه تفتیش عقاید در مدارس" و همچنین مسائل روزمره زحمتکشان مانند کرائی، کمبود و بیکاری و... موفق میگردد که نمایش بهم پیوسته ای از شعارها - ی مبارزه دموکراتیک و طبقاتی را در صحنه جامعه پرتلاطم ایران به اجرا در آورد.

۴- چپ قادر میگردد که در عمل همسوئی دو جناح حاکم را در سرکوب مبارزات، برای توده های نسبتا زیادی به معرض نمایش گذارد: کاذب بودن آزادیخواهی بنی صدر و لجاجت حزب جمهوری اسلامی در تداوم اختناق به بهترین وجهی خود را در ۲۳ دیماه نشان داد.

هیچ چیز بیشتر از حرکات عمومی سیاسی، نمیتواند واقعیت نیروهای سیاسی جامعه را به قضاوت بگذارد. حرکات اخیر جنبش دانشجویی و دانشجویان نیز از این قاعده مستثنی نیست. انجمن دانشجویان مسلمان، به تنوع رابطه ای خود با مجاهدین، و مجاهدین نیز بدینال اعلام "نامناسب" بودن موقعیت توسط دفتر هماهنگی همکاریه های مردم بارشکس جمهوریستیبانی معنوی!! از حرکات اخیر و علی

الخصوص تظاهرات ۲۳ دیماه کام دیگری برنداشتند. مجاهدین که بدرستی حاضر بدادن حتی شهید برای دفاع از مقر انجمن کارمندان مسلمان بودند، در مورد بازگشایی دانشگاهها کاری جز تماشا نکردند. تجربه اول اردیبهشت و سپس ۲۳ دیماه نشان میدهد که چپ در مبارزه اش برای دفاع از دانشگاه و بازگشایی آن "تنها" است. اینکه این تنهایی تا کسبی ادامه یابد وجه ابعدی بخود گیرد، از امروز قابل تردید نیست، ولی آنچه مسلم است

را میپذیرند. اما آنچه دلیل وجودی "راه کارگر" و مخالفتش با "مشی چریکی" سالیهای قبل است - و در حقیقت مخالفت با رادیکالیسم آن - اینجا بیشتر از هر جای دیگر خود را نشان میدهد. این سازمان در آخرین لحظات موعد تظاهرات در ۲۳ دیماه، پای خویش را از این حوادث بیرون کشید، گرچه تعدادی از هواداران در صفوف تظاهراتکنندگان باقی ماندند.

اما دانش آموزان و دانشجویان هوادار رزمندگان اقلیت، پیکاروسازمان ما، علیرغم اینکه ما در ائتلاف رسمی کمیته تدارکات شرکت نداشتیم در ۲۳ دیماه در خیابانهای تهران به راه پیمائی پرداخته و بعد از هجوم عوامل کمیته و سپاه پاسداران و فالانژها با دادن دهها مجروح و زندانی راه تداوم مبارزات دانشجویی را ادامه دادند.



دستاورد مهم حرکات اعتراضی اخیر - اتخاذ شعارهای نسبتاً مشابه از جانب جریانات مختلف در تظاهرات قبیل از ۲۳ دیماه بود. شعارها عموماً بر روی مسئله بازگشائی دانشگاهها - بعنوان شعار اساسی تظاهرات موضعیه و شعارهای جانبی دیگر پیرامون آزادیهای دموکراتیک و خواستهای زحمتکشان و افشای حاکمیت استوار بود. عبارات دیگر بین شعارهای گروههای مختلف، که از قبیل نیز حرکتشان هماهنگ نبود تفاوت مهمی بچشم نمیخورد. یکسانی شعارهای فوق، نشان دهنده هم سوئی است که نیروهای مختلف بطور جداگانه بدان دست پیدا می کنند. آیا این حرکات و همسوئی شعارها خود نمیتواند دلیل محکمی برای نشان دادن امکان اتحاد عمل نیروهای چپ باشد؟ جواب ما بیگمان مثبت است. تنظیم شعارهای سرتاسری برای جنبش چپ - و حتی اتحاد عمل - میتواند بعنوان یک رهنمود سیاسی از حرکات دو هفته گذشته جنبش دانشجویی و دانش آموزی، استنتاج شود و جنبه های ساز عملی بیابد. برآستی چه مانعی جز مانع ذهنی - سکتاریسم، که یکی از وجوه خود برتری بینی - ایدئولوژیک و سازمانی است - میتواند مانع از تنظیم شعارهای هماهنگ سیاسی گردد و توده های مردم را در سطحی وسیع از سردرگمی بیرون آورد؟ بنظر ما شکافتن این جنبه از اتحاد عمل، و دادن زدن مبارزه در راه آن، حتی در پائین ترین سطوح ممکن، میتواند بعنوان راه حلی در راه شکستن بن بست سیاسی اتحاد عمل جنبش چپ تلقی گردد. ما در ضمن آنکه حرکت مشترک نیروهای دیگر را در روز ۲۳ دیماه تایید مینمائیم، خواهان گسترده تر شدن این عمل هماهنگ در تمام صور ممکن آن هستیم. این راهی است که ضرورت مبارزاتی در مقابل، تماماً می نیروهای جنبش چپ قرار داده است.

اما نکته مهم دیگر، افشای واقعی حاکمیت در یک مبارزه رودر رو بود. "چپ" حاکمیت را به مفاظ طلبید. ستاد امنیت تهران، سپاه پاسداران، کمیته مرکزی انقلاب اسلامی... و تمامی ریزه - خواران حاکمیت به میدان آمده و چنان عکس العملی از خود نشان دادند که برآستی "چپ" را بمشابه

یک نیروی خطرناک برای خود به مردم نشان دادند. وجود هزاران نفر از توده های غیر سازمانی در جلو دانشگاه تهران در ۲۳ دیماه و حمایت بیدریغ مردم از دانشجویان در زدو خورد های خیابان جمهوری، نشان داد که بسیاری از مردم نه بنگ نیروی بی تفاوت، بلکه در تداوم مبارزه سیاسی از مدافعین نیروهای انقلابی محسوب میگردند. ترس رژیم از حرکت برای آزاد سازی دانشگاه و تبلیغات مداوم رادیو و تلویزیون پیرامون "توطئه چپ" بهتر از هرگونه افشاکاری مستقیم، مسئله با زگشائی دانشگاهها را بعنوان مسئله ای مهم در اذهان عمومی مطرح نمود.

جناح دیگر حاکمیت یعنی "لیبرالها" نیز، موضع واقعی خویش را بنمایش گذاشتند: "میزان" لزوم مقابله با "توطئه" و ایجاد جو انتقاد سازنده را مطرح نمود و "دفتر هماهنگی همکاریهای مردم با رئیس جمهور" موقعیت را برای مبارزه در راه بازگشائی دانشگاهها نامناسب تشخیص داد. امثال بنی صدر که خود در اول اردیبهشت در راه فوجی از لومین ها به دانشگاهها حمله کردند و انقلاب فرهنگی "خود را عظیم تر از انقلاب فرهنگی چین تصور مینمودند، و در همین اواخر در مبارزات تعطیل دانشگاهها ناله سر میدادند! چنان در مقابل این حرکت خود را باختند که حتی بر آن متمور نیست. آنان با زدن راه و آرواره زدند و حرکات نیروهای مبارز را تخطئه کردند. شاید هزاران اعلامیه و تراکت نمیتوانست به اندازه یک حرکت نقاب از چهره آزادخواهان کاذب بردارد. عملگرد اجتماعی بیش از هر چیز افشا کننده است.



اما ضعف تظاهرات روز ۲۳ دیماه نداشتن یک تاکتیک درست دفاعی بود. از قبیل قابل پیش بینی بود که تظاهرات در مقابل دانشگاه تهران یک امکانپذیر نیست و با اگر صورت بگیرد، صدها کشته و زخمی بجا خواهد گذاشت. از اینرو لازم بود که تاکتیک مناسبتری، مناسبتر از شرکت از قبیل پیش بینی نشدهی بخشی از هواداران سازمانهای مختلف در تظاهرات، در نظر گرفته میشد. کار تبلیغی و بسیجی کافی برای سه شنبه صورت نگرفته بود و تازه بسیاری از مردم عادی حاضر در مقابل دانشگاه از تظاهرات در خیابان جمهوری مطلع نبودند و تا دیروقت در مقابل دانشگاه منتظر حرکت یا برنامه ای از جانب نیروهای دانشجویی و دانش آموزی بودند. حتی بعد از حدود یک ساعت زدو خورد در خیابان جمهوری، بسیاری از آن مطلع نشدند. تبلیغات بعد از تظاهرات نیز بحدی پراکنده و نامنظم انجام گرفت که بهره برداری سیاسی لازم از تظاهرات عملاً انجام نشد. اما با وجود این ضعفها میتوان حرکات اخیر جنبش دانشجویی و دانش آموزی را از بسیاری جهات گامی به پیش تلقی نمود. گامی که باید تعقیب شود و به اعتقاد ما مبارزه سیاسی در جامعه منجر گردد.

گشایش دانشگاه، این سنگر آزادی، بنفع زحمتکشان،